

خاطرات من از اینترنت

ترانه جوانبخت

خاطرات من از وبلاگ‌هایم

من در سال ۱۳۸۳ دو وبلاگ داشتم که در آنها مقاله در زمینه شیمی فیزیک و فلسفه و گاهی داستان و شعر می‌نوشتیم. به دلیل آن که بعد از مدتی تعداد مخاطبان وبلاگ‌هایم افزایش یافت و همگان به تحسین من می‌پرداختند سروکله چند نفر لات حسود پیدا شد و شروع به نوشتن توهین‌های مستهجن و درج کردن کامنت‌های مبتذل در وبلاگ‌هایم کردند. در آن موقع وضعیت پرشین‌بلاگ مثل امروز نبود که صاحب وبلاگ کامنت‌گذاری در وبلاگش را طوری کنترل کند که کامنت‌ها فقط بعد از آن که خود او آنها را خواند و تایید کرد در وبلاگ منتشر شود بلکه هر کسی از راه می‌رسید هر چه دلش می‌خواست در کامنت‌های وبلاگ درج و منتشر می‌کرد. آن لات‌های عوضی انقدر پررو بودند که به من نوشتند چرا مقاله‌های علمی و فلسفی می‌نویسی؟ انقدر اذیت می‌کنیم که از محیط اینترنت برای همیشه بروی. در آن سال وبلاگ‌های تعداد زیادی از زنان جوان به دلیل عوضی‌بازی برخی مردهای بیشعور بسته شد و صاحبان آن وبلاگ‌ها ترجیح دادند وبلاگ‌هایشان را تعطیل کنند اما من به خودم گفتم: خواهم ماند و استقامت خواهم کرد. این بود که به آن عوضی‌ها در وبلاگ‌هایم نوشتیم: من به خاطر عوضی‌بازی شماها از اینترنت نخواهم رفت بلکه به جای این دو وبلاگ فارسی سایت به ۷ زبان راه‌اندازی خواهم کرد تا شما عوضی‌ها نتوانید در سایت من کامنت بگذارید و نتوانید مطالب غیرفارسی آن را بخوانید و سر جایتان بنشینید. عدو شود سبب خیر اگر خود انسان خواهد! من با راه‌اندازی این سایت به ۷ زبان و توسعه آن و انتشار مطالبی در زمینه‌های متنوع نه تنها تودهنی به آن عوضی‌ها زدم بلکه مخاطبان بیشتری از کشورهای مختلف در اینترنت پیدا کردم. امیدوارم همه زنان به همین روش توی دهن آن دسته از مردها بزنند که به دلیل نداشتن استعداد و تنبلی و هدر دادن وقت و انرژی شان فقط بلدند به زنان توانا و بااستعداد حسادت کنند و به خیال باطلشان با ایجاد مزاحمت جلوی پیشرفت زنان موفق و بااستعداد را بگیرند. اصولاً تودهنی زدن به افراد بی‌مقدار روش و راه مناسب می‌خواهد و بهترین روش همین است که من از آن استفاده کردم

لات‌بازاری به اسم ویکی‌پدیا

ویکی‌پدیا سایتی با ظاهری فریبنده است. در ابتدا فکر می‌کنید که چون چند نفر مطالب علمی در آن گنجانده‌اند ارزش مقاله‌نویسی را دارد اما بعد از مدتی متوجه می‌شوید که لات‌بازاری بیش نیست. بعد از مدتها مقاله نوشتن من در زمینه‌های علمی فلسفی ادبی و هنری به ۷ زبان گوناگون سر و کله چند لات بی‌سر و پا در ویکی‌پدیا پیدا شد. این لات‌ها از جمله یک نفر به اسم مدرس و دو نفر دیگر به اسامی مستعار گیر سه پیچ و تروث سیکر که افرادی بی‌مقدار و فاقد شعور انسانی هستند ضمن توهین و متلک نویسی نسبت به من در ویکی‌پدیا نشان دادند که حقیقتاً آنجا فقط یک لات‌بازار است. البته در آن محیط انسان‌های شریف دارای منزلت و شعور

انسانی هم بودند. پس از آن که دارودسته مدرس و گیر سه پیچ و تروث سیکر در وبلاگی نسبت به من مطالب توهین‌آمیز نوشتند مدرس با فرستادن ایمیل‌های مکرر مزاحم من شد و به جای این که شعور داشته باشد و بابت توهین‌های آن وبلاگ حتی اگر کار خودش هم نبوده چون به اسم او نوشته شده از من عذرخواهی کند انقدر عوضی است که به من ایمیل‌های حاوی توهین با لحن طلبکارانه فرستاد. چون دیدم حوصله آن عوضی‌ها را ندارم و حیف دانش و وقت و انرژی من که صرف لات‌بازاری به اسم ویکی‌پدیا شود از یکی از افرادی که دسترسی مدیریتی در آنجا داشت خواستم که محتوای صفحه کاربری مرا از آنجا حذف کند چون قصد مقاله نوشتن برای لات‌بازاری به اسم ویکی‌پدیا را ندارم. از این تصمیم بسیار خشنودم و وقت و انرژی و توانایی‌هایم را صرف فعالیت‌های علمی فلسفی هنری ادبی خودم می‌کنم نه صرف کسانی که به دلیل مزاحمت‌هایی که برای دیگران ایجاد می‌کنند مواجه نشدن با آن لات‌ها بسیار بهتر از صرف دانش و وقت و انرژی در میان آنها است